

از امام عبادی

به یاد بهاران وطن

در تبعید گاه،
 غربت سرا
 آواره گی و
 بیچاره گی
 سرزمین کمترین آفتاب،
 سرزمین کمترین ماهتاب،
 بهاران ش
 نم نم باران ش
 سبزه و گل
 پرستو ها و بلبلان ش
 و چهچهه دیگر پرندگان ش
 چه منظری دارد؟
 چه اثری دارد؟
 برای دل تنگ ما
 برای رخ بیرنگ ما
 همه اش خلق تنگی،
 همه اش دلتنگی،
 کو همزبانی،
 کو عزیز مهربانی، مهمانی؟
 که درین شب بهاری
 سفره ای پر انتظار ما را
 رنگین کند.

کو دوست یکرنگی
 کو رفیق بی نیرنگی
 که شراب کهنه یاد ها را
 خاطره ها را
 درین شب بهاران
 دوستداران - شب زنده داران
 قصه، قصه
 پر از ساتگین کند.

در این فصل طراوت،
 زندگی نو
 و عشق و محبت
 دل جوان یار میخواید
 انیس و دلدار میخواید
 بوسه ها
 قصه های عاشقانه

زیر چنار میخواید
 در هر قرار میخواید
 اینجا،
 یار سبز چشم فرنگی
 متمدن و فرهنگی
 عوض شراب بوسه ها
 هیروئین* و چرس
 در هر خمار میخواید
 کو آن یار سیاه چشمان
 کو آن یار سیاه زلفان
 پاکیزه وطنی!
 که با قصه هاش
 که با بوسه هاش
 درین فصل شیدائی
 درین دنیای تنهائی
 دهن تلخ ما را
 پر از انگبین کند.

بخاطر همین نبود ما
 بعلت همین کمبود ما
 در چنین بهاری
 درین روزگاری
 ریشه دل تنگی ما
 عمق خلق تنگی ما
 دنبال آن جانانه وطن است
 خوشی های ما
 شادی های ما

در گرو آن پرترا نه وطن است
 در آن گاههاست،
 در آن زمانه هاست
 که بهاران ش
 بعد از نم نم باران ش
 آفتاب طلائی داشت
 و هنوز:
 ابلیس راهی نداشت
 درون بوستان ش
 و داخل رضوان ش نشده بود
 شیطان

وی جای سیب یا گندم
 جام جام خون
 دریا دریای خون
 ننوشانیده بود به آدم ما
 و از نشه آن خون
 بوستان ها را تبر نزده بود
 آن فریب خورده آدم ما.

یعنی پیش از آن آفت ها
 و طوفانها
 در بوستان ما
 شگوفه شگوفه نارنج
 کُرد، کُرد نرگس
 بوی یاسمن بوی ارغوان
 دشت، دشت لاله ش
 چمن، چمن بنفشه ش
 عطر خدائی داشت...

و در آن باغها،
 در شب های ماهتابی
 و در روز های آفتابی
 و در آن بهشت خدا،
 و در آن دشت، دشت لاله ها
 و چمن، چمن بنفشه ها
 عاشقان - دلبران
 جفت جفت جوانان،
 بهار بهار دختران
 دست بدست
 گاهی دور از چشم زاهدان کمر بدست
 چه عاشقانه
 چه شاعرانه
 عیش خدائی داشت..

پس:
 تا به آن بهاران
 بهاران کشور افغان
 دوباره نرسیم
 و با توبه
 و با انابه
 و عفو تقصیرات
 آن مقدس خاک نبوسیم
 این بهاران تبعیدی
 این بهاران بیوطنی
 با هزار گل و رنگ ش
 با هزار ساز و چنگش
 همانا دلتنگ است به ما
 همانا خلق تنگ است به ما

* در کشور هالند کشیدن هیروئین و
 چرس در بین جوانان آزاد است.